

بسم الله الرحمن الرحيم

پیامدهای اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده

طیبه حیدری ارفع^۱

زهرا حجازی پور^۲

زینب سیاح شعاع^۳

چکیده

امنیت روانی عبارت است از احساس نسبی رهایی از خطر رهاورد این احساس حالتی خوشایند است که آرامش جسمی و روانی را به دنبال دارد. در عصر حاضر اشتغال زنان مسئله‌ای است که از دیرباز وجود داشته است، با این تفاوت که در گذشته بدون دغدغه نظری این امر تحقق می‌یافت ولی امروزه با عوض شدن شکل آن، آثار و پیامدهایی بر امنیت روانی خانواده و زن ایجاد کرده است که این آثار برای برخی مثبت و برای برخی منفی است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و با هدف بررسی آثار مثبت و پیامدهای منفی اشتغال زنان در بعد امنیت روانی زن و خانواده پرداخته شده است و به این نتیجه رسیده است که اشتغال زنان بر امنیت روانی زن، آثار مثبتی چون کسب قدرت، افزایش عزت نفس و نیز پیامدهای منفی چون تغییر در ویژگی‌های زنانه و افزایش سن ازدواج باقی گذاشته است و چون زن جزء ارکان اساسی خانواده محسوب می‌شود هر آثاری که اشتغال بر امنیت روانی زن تأثیر بگذارد مستقیماً بر روی امنیت روانی خانواده نیز تأثیر گذار است. و همچنین اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده به طور مسقیم آثار مثبتی چون پیشرفت وضعیت تحصیلی فرزندان، کمک به اقتصاد خانواده و پیامدهای منفی چون سست شدن کانون خانواده و جابه‌جایی در نقش مدیریتی را بر خانواده زنان شاغل بر جای گذاشته است. هر کدام از این آثار، رابطه مستقیم با امنیت روانی خانواده دارد.

واژه‌های کلیدی : اشتغال؛ امنیت روانی؛ پیامد؛ خانواده؛ زنان

^۱. استاد راهنما، استاد جامعه الزهراء، قم.

^۲. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

^۳. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

مقدمه

امنیت روانی یکی از مهم‌ترین و در عین حال اساسی‌ترین موضوعات زندگی انسان‌ها است که تأمین و توجه به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. پس می‌توان بیان نمود که امنیت روانی یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها است که بر سلامت، رفاه و توسعه آن‌ها تأثیر می‌گذارد و به معنای احساس اطمینان، آرامش و اعتماد به خود، دیگران و محیط است که از رابطه مثبت بین فرد و جامعه ناشی می‌شود.

با توجه به ضرورت و اهمیت امنیت روانی، اشتغال زنان و دستیابی آنان به منابع اقتصادی حاصل کار در خارج از خانه و تسخیر فضاهای تازه اجتماعی توسط آنان ساختار چند ساله خانواده را تغییر داده و به ضرورت، تحولی نو در خانه پدید آورده است اما امروزه اوضاع حاکم بر زندگی زنان شاغل در اکثر نقاط دنیا حاکی از آن است که افزون بر نقش‌هایی که از دیر باز در حوزه مسئولیت و نقش‌های زنان بوده است با ورود کار بازاری و افزوده شدن فشار و پیام‌هایی دوجندانی را بر جسم و روان زنان گذاشته و تعدد نقش‌ها تحمیل کرده است. با این حال از آن‌جا که اسلام به امنیت روانی خانواده می‌اندیشد، تبیین دیدگاه اسلام در این مورد راهگشاست. که هر چند حضور همه، چه زن و چه مرد، در صحنه اجتماع یک ضرورت است (جوادی آملی، 1371، ص 324) ولی باید همراه آن، زن بتواند پیامدهای مثبتی بر امنیت روانی خانواده جای بگذارد و سبب آسیب به ساختار خانواده نشود.

عبدالله شفیق آبادی در مقاله «اشتغال و سلامت زن - خانواده»؛ نتیجه می‌گیرد که اشتغال زن در خارج از منزل دارای محاسن و در عین حال محدودیت‌هایی است که بر سلامت او و خانواده تأثیر می‌گذارد. بدون هیچ تردیدی اشتغال و اتفاقات محیط کار بر نحوه زندگی زن شاغل اثر می‌گذارد از این رو اگر محیط کار رضایت بخش و مطلوب باشد آثار مثبت آن در خانواده تجلی خواهد یافت.

فریبا بابا ولدینی، در مقاله (آثار و پیامدهای اشتغال زنان بر روابط عاطفی خانواده) بر این باور است که مسأله اشتغال زنان در بیرون از منزل از مسائل چالش برانگیزی است که آثار و پیامدهای متعددی بر زندگی زنان در روابط خانوادگی دارد. از نظر اسلام زنان در تأمین اقتصادی خانواده هیچ مسئولیتی ندارند و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی آنان وظیفه همسر است. اگرچه اشتغال اثرات مثبتی چون افزایش سلامت روانی کودکان، همسر و کاهش افسردگی ناشی از مشکلات اقتصادی دارد اما نمی‌تواند پیامدهای آن را نیز نادیده گرفت.

اعظم راوودراد، در مقاله (تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال) بر این عقیده است که هدف از این بررسی استخراج نتایج و اطلاعات به دست آمده در تحقیقات قبلی و ارائه تحلیلی از نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال بوده است؛ تحلیلی که در هیچ یک از پژوهش‌های مورد مطالعه انجام نشده است. عقیده بر این است که افزایش نقش زنان در توسعه را نمی‌توان تنها از طریق اندازه‌گیری میزان فعالیت زنان تبیین کرد؛ بلکه شناسایی عواملی که موجب می‌شوند زنان چه شاغل و چه غیر شاغل نقش تعیین‌کننده در امر توسعه داشته‌باشند دارای اهمیت خاصی است. در این مقاله سعی شده است که با استفاده از یافته‌های تحقیقات دیگر این عوامل شناسایی و تبیین شوند.

بنابراین با توجه به اهمیت مسئله و خلأ تحقیق در این زمینه، پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سؤال محوری است که اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده چه پیامدهایی دارد و برای پاسخ به این سوال موارد ذیل را بررسی می‌کند:

1. پیامدهای اشتغال زنان به امنیت روانی زن

الف: آثار مثبت اشتغال زنان بر امنیت روانی زن

ب: آثار منفی اشتغال زنان بر امنیت روانی زن

2. پیامدهای اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده

الف: آثار مثبت اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده

ب: آثار منفی اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده

1. پیامدهای اشتغال زنان بر امنیت روانی زن

اشتغال زنان بر امنیت روانی زن پیامدهایی را بر جای می‌گذارد که این پیامدها ناشی از رابطه و تاثیر متقابل با پیامدهای اشتغال زنان بر امنیت روانی است. چرا که اگر بر شخصیت زنان شاغل لطمه‌ای وارد شود قطعاً بر امنیت روانی خانواده نیز تاثیر می‌گذارد در نتیجه ناگزیریم هم به پیامدهای اشتغال زنان بر امنیت روانی زن و هم به پیامدهای اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده پردازیم. که در این جا ابتدا به آثار مثبت سپس پیامدهای منفی اشتغال زن بر خود او اشاره می‌کنیم:

1-1. آثار مثبت اشتغال زنان بر امنیت روانی زنان

در این بخش به آثار مثبت اشتغال زنان، فارغ از پیش‌داوری و ارزش‌گذاری و اثری که بر امنیت روانی خانواده برجای می‌گذارد، پرداخته می‌شود:

1-1-1. افزایش عزت نفس

افزایش عزت نفس یکی از آثار مثبت اشتغال زنان می‌باشد. عزت، حالتی است در انسان که نمی‌گذارد مغلوب کسی شود و شکست بخورد (راغب‌اصفهانی، 1404، ص 563). یکی از مؤلفه‌های افزایش عزت نفس، داشتن شغل و پیشه مناسب است. طبق آموزه‌های اسلام کسی که با کار کردن دست نیاز به سوی دیگران دراز نمی‌کند، عزت نفسش را حفظ نموده است. امام صادق در پیوستگی این دو اصل «کار و عزت» می‌فرماید: «ای بنده خدا، عزت خود را با کار کردن حفظ کن. شخصی پرسید، فدایت شوم عزت من در چیست؟ فرمود: صبحگاهان برای کسب روزی رفتن، عزت توست» (حرعاملی، 1386، ج 5، ص 4). بنابراین انسان باید با کدّ یمین و عرق جبین، خود را از ذلّت‌رهایی بخشد و متکی به خود باشد و دست نیاز به سوی دیگران دراز نکند.

تعالیم اسلامی کار کردن به طور مطلق را باعث عزت نفس می‌داند، اما جامعه ما، کار همراه با حقوق را در ردیف بالاتری از سایر انواع مشاغل قرار می‌دهد و این مسئله، بر آن عده از زنان که به مراقبت از خانواده می‌پردازند و شاغل نیستند، تأثیرات بدی برجای می‌گذارد؛ چون خانه‌داری در نظر جامعه کار غیرتولیدی است و ارزش بالایی ندارد. از این رو عزت نفس زنان خانه‌دار در معرض خطر قرار می‌گیرد. این امر موجب شده است برخی از زنان از معرفی خود با عنوان خانه‌دار، شرم‌منده شوند. «لیندا فیلد» در کتاب عزت نفس برای زنان می‌گوید: یک زن می‌تواند در خانه بنشیند و از خانواده‌اش نگه‌داری کند و اعتقاد داشته باشد، کار ارزشمندی انجام می‌دهد و زنی دیگر با ماندن در خانه احساس کند

در دام گرفتار شده است. زنی که بهداری از خانواده پرداخته، اگر با ماندن در خانه احساس کند که به خود ظلم کرده است، عزت نفسش پایین می‌آید، چون احساس گناه از عوامل کاهش عزت نفس است (فیلد، 1380، ص 168).

اما آیات و روایات، مطلق کار و تلاش را باعث ارتقاء عزت نفس می‌دانند؛ مانند روایت امام کاظم که به مصادف فرمود: «صبحگاه به طرف عزت خود، یعنی محل کسب و کار و بازار بشتاب» (حرعاملی، 1386، ج 12، ص 4). روایات دیگر، بیانگر این مسئله است که کار کردن و عدم نیاز به دیگران، عزت نفس را افزایش می‌دهد. از آنجا که این روایات مطلق آمده، شامل زنان هم می‌شود. لذا افزایش عزت نفس می‌تواند به عنوان یکی از آثار مثبت اشتغال زنان، مطرح باشد.

1-1-2. کسب قدرت

یکی دیگر از آثار مثبتی که برای اشتغال زنان بر می‌شمرند، به دست آوردن قدرت در خانواده است. در زندگی زناشویی و روابط خانوادگی، مردان قدرتمندتر از زنان هستند؛ زیرا تأمین معاش و اداره زندگی با مرد است، اما زنانی که درآمد بالایی دارند، در خانواده از قدرت بیش تری برخوردار هستند (نوابی‌نژاد، 1385، ص 132)؛ چون با اشتغال و کسب درآمد، در خانه صاحب قدرت می‌شوند و حق نظر پیدا می‌کنند. در نتیجه، در برابر مدیریت مرد تسلیم محض نخواهند بود. در صورتی که خداوند در قرآن می‌فرماید: مردان سرپرست و خدمت‌گزار زنان هستند (نساء، 34). دادن این مقام به مرد به خاطر وجود خصوصیتی در مرد است مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات «به عکس زن که از نیروی سرشار عواطف بیش تری بهره‌مند است» و دیگری داشتن بنیه و نیروی جسمی بیش تر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید. به علاوه تعهد او در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی، و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد (مکارم‌شیرازی، 1353، ج 3، ص 370).

بنابر این اگر زن به اصول اخلاقی پایبند نباشد، اشتغال او در خارج از خانه و به دست آوردن دستمزد و نهایتاً کسب قدرت، باعث می‌شود در مقابل مرد تمکین نداشته باشد و اختلاف در خانواده زیاد شود. این اثر شاید بیش تر در کشورهای غربی اثر مثبت باشد، ولی در جامعه اسلامی ما، اگر قدرت زن باعث ناسازگاری او با همسر و جبهه‌گیری در مقابل او و نافرمانی شود، اثر منفی به شمار می‌رود، ولی اگر زن متواضع باشد و طبق نظر اسلام به مدیریت مرد در خانه احترام بگذارد اشتغال او اثر منفی نخواهد داشت.

1-2. آثار منفی اشتغال زنان بر امنیت روانی زن

از نقش‌های مهم زن، نقش همسری و مادری است. در نگرش اسلام آنچه مهم است «انسان» و هدایتش است، بدون این که زن یا مرد به تنهایی ملاحظه شده باشد. از این رو در طرح مباحث جدید مربوط به زنان، نباید منفعلانه برخورد کرد، بلکه باید با استفاده از میانی متقن اسلام سعی کنیم به حل معضلات و مشکلات بپردازیم. ولی گاهی با توجه به شرایط

نتیجه‌ای جز افزایش احساس فقر، حرص و نارضامندی نخواهد داشت. زیرا اشتغال زن در بسیاری از خانواده‌ها به تغییر مناسبات اجتماعی و ارزشی و آسیب زدن به امنیت روانی خانواده می‌انجامد. با اشتغال زن گرچه خانواده از درآمد بیش‌تری برخوردار می‌شود، اما ضرورتاً لذت نمی‌برد، چون انتظارات بالا رفته است. در صورت اشتغال زن مقدار زیادی از درآمد او صرف امور می‌شود که پیش از این نیاز نبود، همانند غذا خوردن در بیرون، هزینه سپردن کودک به مهد، تعویض پی در پی لوازم قدیمی و استفاده از مدل‌های جدید. نتیجه این که می‌توان بر تأثیر اشتغال زنان در افزایش درآمد خانوار، در اغلب موارد، صحه گذاشت اما نباید نسبت به تأثیر مثبت آن در اقتصاد خانواده و اقتصاد ملی بزرگ‌نمایی کرد.

2-2-2. پیشرفت وضعیت تحصیلی فرزندان

لویی هافمن (1984) با بررسی پژوهش‌های 50 سال گذشته در زمینه اشتغال زنان نشان داد که دختران مادران شاغل در مقایسه با دختران مادران غیر شاغل، از وضعیت تحصیلی، اعتماد به نفس و پیشرفت درسی بهتری برخوردارند و در دنبال کردن مشاغل مختلف، موفق‌ترند (ابوت و والاس، 1395، ص 126). همان‌گونه که پیش‌تر پسران از الگوی پدران شاغل خود بهره می‌گیرند، برای دختران نیز مادران شاغل، الگوی پیشرفت خواهند بود (نوابی‌نژاد، 1385، ص 92_93). البته در مورد پسران گزارشی از پیشرفت تحصیلی نشده است.

چون مادران شاغل ساعاتی بیرون از منزل مشغول هستند، سعی می‌کنند زمان حضور خود را با مدیریت بر زمان، به پیشرفت وضعیت تحصیلی فرزندان اختصاص دهند، به همین دلیل در برخی موارد فرزندانشان موفقیت درسی بهتری دارند. هم‌چنین زن شاغل چون مشکلات جامعه‌اش را می‌بیند، همسرش را متقابلاً درک می‌کند و روحیه تعاون و همکاری در این قبیل خانواده‌ها که زنان شاغل هستند قوت می‌یابد. تقسیم کار در این خانواده‌ها زیاد به چشم می‌خورد. حس مسولیت‌پذیری در فرزندان و اعضای خانواده تقویت می‌شود چون ساعاتی از روز را در بیرون خانه مشغول کار و فعالیت بوده از کمیت وقت‌هایش به طور کیفی استفاده می‌کنند. زن شاغل از آزادی عمل فکر و اندیشه برخوردار است این روحیه را در فرزندانش تقویت می‌کند و سبب رشد علمی فرزندان می‌شود و همچنین معمولاً در امر تربیت فرزندان موفق‌تر هستند چرا که فرزندان را تحصیل کرده بار می‌آورند و آن‌ها را بیش‌تر درک می‌کنند.

2-2. آثار منفی اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده

اسلام به مسئله‌ی خانواده عنایت و توجه ویژه‌ای دارد؛ خانواده متشکل از زن و شوهر و فرزندان است که دارای تکالیف و نقش‌هایی هستند که برای عمل کرد خانواده حیاتی است و قصور هر یک از اعضای خانواده به ویژه زن در انجام تکالیف خود ضربه‌ی جبران‌ناپذیری را بر پیکره‌ی خانواده وارد می‌کند و استحکام و بنیان خانواده را متزلزل می‌سازد. در این بخش به آثار منفی که اشتغال زن در خارج از خانه بر همسر و فرزندان باقی می‌گذارد، اشاره می‌کنیم:

2-2-1. جا به جایی در نقش مدیریتی

به موجب تعلیمات اسلامی هر یک از زن و مرد حقوقی نسبت به یکدیگر دارند و هیچ کدام مجاز به تجاوز به حق دیگری یا خودداری از انجام وظایف و تکالیف خود و یا تعدی از حدود اختیارات خویش نیستند، و برای خانواده که خود جامعه کوچکی است، رئیس و سرپرست معین گردیده و این سمت و عنوان به مرد اعطا شده است (محقق داماد، 1379، ص 288). از آنجا که مدیریت زندگی مشترک به مرد واگذار شد، او باید به گونه‌ای خانواده را سرپرستی کند که هر یک از اعضای خانواده، از جمله همسر به کمال شایسته خود برسند، قرآن می‌فرماید: خود و خانواده خود را از آتشی که هیضم آن مردم و سنگ است، حفظ کنید (تحریم، 6).

با توجه به این آیه، زن و مرد دو رکن خانواده هستند، مرد از آن رو که آفرینش ویژه‌ای دارد و جنبه عقلانیت او بر عواطفش غلبه دارد، سرپرست و مدیر خانه به شمار می‌آید و ریاست او در خانواده، امری طبیعی و بر مبنای تقسیم حکیمانه نقش‌های متفاوت زن و مرد در متن آفرینش است. بنابر فرمایش قرآن، مردان به دلیل قوه فکری و قدرت جسمی بالاتر، مدیر و سرپرست خانواده به شمار می‌آیند، پس اشتغال زن نباید با این قانون خلقت منافات داشته باشد، پیامبر (ص) در این زمینه فرمودند: مرد سرپرست خانواده است و هر سرپرستی نسبت به زیردستان خود مسئولیت دارد (نوری، 1320، ج 2، ص 550). پس با این بیان چون مسئولیت خانواده با مرد است، زن در این زمینه مسئولیتی نداشته و نیاز نیست، برای سرپرستی خانواده، به دنبال اشتغال باشد.

از آنجا که زن در خانه کار می‌کند و درآمد بیرونی ندارد قهراً وابسته به مرد خواهد بود. این وابستگی کمک بزرگی به تداوم خانواده مشترک است. چنانکه زن شاغل شود و درآمدی داشته باشد، روابطش با مرد تغییر می‌کند، احساس وابستگی‌اش به مرد از بین می‌رود و خود را مقتدر می‌بیند و مدیریت مرد را زیر سؤال می‌برد. در نتیجه موجب بروز اختلاف در خانواده می‌شود.

با این حال آنچه که مهم است، این است که مدیریت خانواده با مرد است حتی اگر زن به دلیل اشتغال استقلال مالی پیدا کند نباید نقش مرد را بگیرد، چون آنچه قانون خلقت در نهاد آنها قرار داده این است که مرد به دلیل غلبه نیروی عقلانی مدیریت خانواده و تصمیم‌گیری‌های امور مهم در خانه را به عهده بگیرد و زن مسئولیت حفظ و نگهداری از فرزندان و انجام وظایف مربوط به همسر و امور مربوط به خانه را انجام دهد.

2-2-2. کاهش میل به فرزندآوری

در زندگی ماشینی امروزی که زن و مرد شاغل اند خانواده‌ها به داشتن فرزند زیاد تمایل ندارند یا اکثراً یک یا نهایتاً دو فرزند دارند؛ چون والدین فرصت کافی برای پرورش آنها را ندارند. البته مسائل دیگری نیز در این امر دخالت دارند؛ مانند هزینه‌های سنگین بزرگ کردن فرزند، تمایل نداشتن مرد به داشتن فرزند بیش‌تر و ...

زنان شاغل به سبب تعدد وظایف ترجیح می‌دهند فرزندان کمتری داشته باشند تا بتوانند از پس ایفای نقش مادری برآیند در نتیجه امروزه تک فرزندی پدیده غالبی است که در خانواده‌هایی که در آن‌ها زن شاغل، است بیش‌تر دیده می‌شود گاهی هم شاهد فاصله سنی زیادی بین بچه‌ها هستیم که آسیب‌های خودش را دارد.

با مقایسه و بررسی پیامدهای مثبت و منفی اشتغال زنان بر امنیت روانی خود زن و خانواده وی می‌یابیم که پیامدهای منفی که اشتغال زن بر امنیت روانی خانواده باقی می‌گذارد، بسیار مخرب است و اگر آن‌ها در نظر گرفته نشوند، خانواده دچار تنش‌های بسیاری می‌شود و حتی گاهی موجب از هم پاشیدن کانون و ساختار خانواده نیز می‌شود. با این حال اسلام به عنوان راهکار برای زنان شاغل به منظور جلوگیری از پیامدهای منفی اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده رعایت چند نکته را ضروری دانسته:

زن شاغل باید، اولاً: در محیط‌های زنانه و مشاغلی که متناسب با روحیه زنانه اوست، بیش‌تر حضور یابد. ثانیاً: باید شغل را به صورت نیمه وقت انتخاب کند تا بتواند زمان بیشتری را در خدمت خانواده باشد. ثالثاً: در زمان‌هایی که در خانه حضور دارد، باید با مدیریت زمان خود، به همسر و فرزندان و همچنین به خود رسیدگی کند تا فضای خانه محل آرامش برای همه افراد خانواده باشد و خود زن نیز بتواند در این محیط امن و آرام، قوای خود را برای انجام وظایف خود تجدید کند. هرچند نمی‌توان برای مثبت یا منفی بودن اشتغال بانوان نظر قطعی ارائه کرد، اما به نظر می‌رسد نقش‌های بی‌بدیل زنان در محیط خانواده، آن‌قدر مهم هستند که نمی‌توان آن‌ها را با هیچ نقش دیگری مقایسه کرد و حیث است این تعهد تأثیرگذار آسیب بیند یا به آن خدشه وارد شود. رابعاً: زنان از آثار و پیامدهایی که اشتغال آنان به دنبال دارند، آگاه باشند، تا بتوانند برنامه کاری خود را بر اساس اولویت‌هایی که دارند، انتخاب نمایند.

یعنی اگر زن در اجتماع و خانه مشغول انجام وظیفه می‌باشد و از آن‌جا که گاه این وظایف در تعارض با هم قرار می‌گیرند، جمع بین آن‌ها برای زن کار دشواری است و همچنین طبیعت انسان به گونه‌ای است که همیشه به دنبال منافع شخصی است و تمام سعی خود را برای رسیدن به خواسته‌های خود به کار می‌گیرد. در چنین مواردی اگر انسان رشد معنوی نکرده باشد، حتی ممکن است برای رسیدن به منافع شخصی خود حقوق دیگران را زیر پا بگذارد. از جمله مسائلی که اسلام، عنایت ویژه‌ای به آن داشته و آن را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهد، مصالح خانواده است. خانواده در اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و شخص برای حفظ و صیانت آن باید حتی از برخی از آزادی‌ها و حقوق خود چشم‌پوشی کند، تا این کانون به تعالی و کمال مطلوب برسد.

آن‌چه در این بحث اهمیت دارد این است که اگر بین علائق شخصی و منافع خانواده تعارض به وجود آمد؛ باید برای استحکام کانون خانواده، از علائق شخصی به نفع استحکام و امنیت روانی خانواده کوتاه آمد. یعنی در صورت تزاخم بین مصالح فردی و مصالح خانواده، با توجه به اصل «تقدیم مصالح خانواده بر منافع شخصی» مصالح خانواده مقدم است؛ (مصباح، 1391، ج 3، ص 43_47) زیرا اولویت اول اسلام، مصلحت و تکامل خانواده است و هر گونه فردیت، چه در قالب مردسالاری و چه در قالب زن‌سالاری، نفی می‌گردد، بنابراین طبیعی است که مصالح خانواده بر هر امر شخصی دیگر، مقدم باشند.

نتیجه گیری

اشتغال زنان مانند سایر پدیده‌ها با پیامدهای مثبت و منفی بر امنیت روانی همراه است؛ این نتایج حاکی از پیامدهای اشتغال زنان بر امنیت روانی هم در سطح فردی و هم در سطح خانوادگی اثر گذار است. اشتغال زنان در کنار پیامدهای فردی مثبت مانند افزایش عزت نفس و کسب قدرت، پیامدهای فردی منفی نیز مانند جابه جایی نقش مدیریتی و کاهش میل به فرزند آوری را به دنبال دارد؛ که این پیامدها به نوبه خود، بر امنیت روانی خانواده نیز تأثیر می‌گذارند. از جمله پیامدهای خانوادگی مثبت آن، کمک به اقتصاد خانواده و پیشرفت وضعیت تحصیلی فرزندان نام برده شده است و پیامدهای خانوادگی منفی نیز کاهش میل به فرزند آوری و جابه جایی نقش اقتصادی است که می‌توان آن را مهم‌ترین پیامد اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده در عصر حاضر دانست. اما باید توجه داشت که این عوامل و شرایط مختلف هستند که موجب جهت دهی این پیامدها و باعث کاهش و افزایش جنبه‌های مثبت و منفی آن بر امنیت روانی می‌شوند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که زنان شاغل با مدیریت وظایف شغلی و زمان خود می‌توانند تعادلی نسبی در حیطه شغلی و خانوادگی ایجاد کنند و این مدیریت اگر با همکاری و حمایت خانواده و سازمان‌های حمایتی و اجتماعی همراه شود زمینه‌های کاهش پیامدهای منفی اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده فراهم می‌شود و با رعایت این موضوع اشتغال زنان پیامدهای مثبت بیش‌تری برای امنیت روانی فرد و خانواده به همراه خواهد داشت. همچنین از آن‌جا که خانواده رکن اساسی جامعه و مادر رکن اساسی خانواده می‌باشد و با توجه به شرایط کنونی و ورود اجتناب‌ناپذیر زنان به بازار کار و اشتغال، نیاز است دولت با بازنگری قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های اشتغال زنان از جمله فراهم آوردن زمینه‌های دورکاری برای زنان شاغل موجبات بهره‌مندی بیش‌تر مادران شاغل از سیاست‌های حمایت شده فراهم کند تا بتوانند در راستای ایفای بهتر نقش‌های خانوادگی و نقش اجتماعی گام بردارند.

بنابراین می‌توان بیان نمود که غرض از بررسی پیامدهای اشتغال زنان بر امنیت روانی خانواده در این مقاله، بیان این موضوع است که اگر برای زن شاغل بین علایق شخصی و منافع خانواده تعارض به وجود آمد؛ باید برای استحکام کانون خانواده و حفظ امنیت روانی آن، از علائق شخصی به نفع استحکام و امنیت روانی خانواده کوتاه بیاید. یعنی در صورت تزامن بین مصالح فردی و مصالح خانواده، با توجه به اصل «تقدیم مصالح خانواده بر منافع شخصی» مصالح خانواده را مقدم بشمارد.

منابع و ماخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

1. ابن اثیر، علی بن محمد. (1409 ق). اسدالغابه. بیروت: دارالفکر.
2. ابوت، پاملا. والاس، کلر. (1395). جامعه شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
3. ابوفارس، محمد عبدالقادر. (2000 م). حقوق المرأة المدنیة و السیاسیة فی الإسلام. بیروت: دارالفرقان.
4. باباولدینی، فریبا. (1400). آثار و پیامدهای اشتغال زنان بر روابط عاطفی خانواده. همایش ملی نقش بانوان در دنیای معاصر.
5. جوادی آملی، عبدالله. (1371). زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
6. حر عاملی، محمد بن حسن. (1409 ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. محقق و مصحح: مؤسسه آل البیت. قم: مؤسسه آل البیت.
7. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (1404 ق). المفردات فی غریب القرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
8. راودراد، اعظم. (1379). تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال. نامه علوم اجتماعی، ش 25.
9. شفیع آبادی، عبدالله. (1391). اشتغال و سلامت زن - خانواده. انجمن مشاوره ایران. ش 12.
10. طباطبایی، محمدحسین. (1378). المیزان. قم: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
11. طبرانی، سلیمان بن احمد. (1415 ق). المعجم الکبیر. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
12. طوسی، محمد بن حسن. (1409 ق). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی. بیجا، مکتب الاعلام الاسلامی.
13. علی، جواد. (1391 ق). المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام. بیروت: دار العلم للملایین مکتبه النهضه.
14. فراهیدی، خلیل بن أحمد. (1408 ق). العین. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
15. فیلد، لیندا. (1380). عزت نفس برای زنان، راهنمای عملی برای عشق ورزیدن. ترجمه: مهدی گنجی. تهران: ویرایش.
16. کلینی، یعقوب. (1362). الکافی. تهران: اسلامیه.
17. مجلسی، محمدباقر. (1396). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
18. محقق داماد، مصطفی. (1379). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
19. مصباح، محمدتقی. (1387). اخلاق در قرآن. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
20. مکارم شیرازی، ناصر. (1353). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
21. مفید، محمد بن محمد. (1413 ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
22. نوابی نژاد، شکوه. (1385). روان شناسی زن. تهران: انتشارات علم.
23. نوری طبرسی، حسین. (1369). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: آل البیت.
24. نوری همدانی، حسین. (1388). جایگاه بانوان در اسلام. تهران: مهدی موعود.